

Readings and Prayers Easter 5

<p>Collect</p> <p>Almighty God, who through your only-begotten Son Jesus Christ, have overcome death and opened to us the gate of everlasting life: grant that, as by your grace going before us you put into our minds good desires, so by your continual help we may bring them to good effect; through Jesus Christ our risen Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever.</p>	<p>خداوند قادر مطلق، کسی که بواسطه یگانه فرزندت عیسی مسیح بر مرگ قائق آمده و در زندگی جاودان را به روی ما باز کردی: آنرا به ما عطا کن که به بواسطه فیض از پیش بوده ات در ضمیر ما تمایلات نیکو قرار دهی، چنان که با امدادهای همیشگی آنها را به بهترین نحو اجرا کنیم؛ بواسطه فرزندت و خداوند قیام کرده ما عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p>Acts 8:26-40</p> <p>Then an angel of the Lord said to Philip, "Get up and go toward the south to the road that goes down from Jerusalem to Gaza." (This is a wilderness road.) So he got up and went. Now there was an Ethiopian eunuch, a court official of the Candace, queen of the Ethiopians, in charge of her entire treasury. He had come to Jerusalem to worship and was returning home; seated in his chariot, he was reading the prophet Isaiah. Then the Spirit said to Philip, "Go over to this chariot and join it." So Philip ran up to it and heard him reading the prophet Isaiah. He asked, "Do you understand what you are reading?" He replied, "How can I, unless someone guides me?" And he invited Philip to get in and sit beside him. Now the passage of the scripture that he was reading was this: "Like a sheep he was led to the slaughter, and like a lamb silent before its shearer, so he does not open his mouth. In his humiliation justice was denied him. Who can describe his generation? For his life is taken away from the earth." The eunuch asked Philip, "About whom, may I ask you, does the prophet say this, about himself or about someone else?" Then Philip began to speak, and starting with this scripture, he proclaimed to him the good news about Jesus. As they were going along the road, they came to some water; and the eunuch said, "Look, here is water! What is to prevent me from being baptized?" He commanded the chariot to stop, and both of them, Philip and the eunuch, went down into the water, and Philip baptized him. When they came up out of the water, the Spirit of the Lord snatched Philip away; the eunuch saw him no more, and went on his way rejoicing. But Philip found himself at Azotus, and as he was passing through the region, he proclaimed the good news to all the towns until he came to Caesarea.</p>	<p>پس از این واقعه، فرشته خداوند به فیلیپ گفت: "برخیز و رو به جنوب به راهی برو که از اورشلیم به بیابان غزه می‌رود." پس فیلیپ بطرف آن جاده براه افتاد. وقتی به آنجا رسید به خزانه‌دار مملکت حبشه برخورد که در دربار "کنداکه"، ملکه حبشه، نفوذ و قدرت فراوانی داشت. او برای زیارت خانه خدا به اورشلیم رفته بود، و حالا با کالسکه به وطن خود باز می‌گشت. در ضمن کتاب اشعیا نبی را با صدای بلند می‌خواند. روح خدا به فیلیپ گفت: "تندتر برو تا به کالسکه برسی." فیلیپ جلو دوید و شنید که چه می‌خواند. پس پرسید: "ایا می‌فهمید چه نوشته است؟" مرد حبشی جواب داد: "نه، وقتی کسی نیست به من بیاموزد، چگونه بفهم؟" پس، از فیلیپ خواهش کرد که سوار کالسکه شود و کنار او بنشیند. آن قسمتی که از کتاب آسمانی می‌خواند، این بود: "همچنانکه گوسفند را بسوی کشتارگاه می‌برند، او را نیز به کشتارگاه بردند. او مثل گوسفندی که پشمپایش را می‌چینند، لب به اعتراض نگشود. او فروتن بود؛ از اینرو هرگونه بی‌عدالتی در حق او روا داشتند. چه کسی می‌تواند از نسل او سخن بگوید؟ زیرا حیات او از زمین برداشته شد." خزانه‌دار حبشی از فیلیپ پرسید: "ایا اشعیا این چیزها را درباره خودش می‌گفت یا درباره دیگری؟" آنگاه فیلیپ از آن نوشته آسمانی شروع کرد و با استفاده از قسمت‌های دیگر کتاب آسمانی، پیام نجات‌بخش عیسی را به او رسانید. همچنانکه کالسکه پیش می‌رفت، به یک برکه آب رسیدند. مرد حبشی گفت: "نگاه کن! این هم آب! آیا امکان دارد حالا غسل تعمید بگیرم؟" فیلیپ جواب داد: "اگر با تمام وجودت ایمان آورده‌ای، امکان دارد." جواب داد: "من ایمان دارم که عیسی مسیح، فرزند خداست." پس کالسکه را نگاه داشتند و هر دو داخل آب رفتند و فیلیپ او را تعمید داد. وقتی از آب بیرون آمدند، روح خداوند فیلیپ را برداشت و برد و خزانه‌دار حبشی دیگر او را ندید، ولی راه خود را با خوشحالی پیش گرفت و رفت. اما فیلیپ خود را در شهر آشدود یافت. پس هم در آنجا و هم در شهرهای سر راه خود، پیغام خدا را به مردم رساند تا به شهر قیصریه رسید.</p>
<p>Psalms 22:25-31</p> <p>From you comes my praise in the great congregation; my vows I will pay before those who fear him. The poor shall eat and be satisfied; those who seek him shall praise the LORD. May your hearts live forever! All the ends of the earth shall remember and turn to the LORD; and all the families of the nations shall worship before him. For dominion belongs to the LORD, and he rules over the nations. To him, indeed, shall all who sleep in the earth bow down; before him shall bow all who go down to the dust, and I shall live for him. Posterity will serve him; future generations will be told about the Lord, and proclaim his deliverance to a people yet unborn, saying that he has done it.</p>	<p>در حضور جماعت بزرگ، تو را خواهم ستود. نذرهای خود را در حضور عزیزانت ادا خواهم نمود. فقیران غذا خواهند خورد و سیر خواهند شد. طالبان خداوند او را ستایش خواهند کرد. باشد که آنان همیشه زنده‌دل و کامیاب باشند! همه مردم جهان خداوند را به یاد خواهند داشت؛ همه قومها بسوی خداوند بازگشت خواهند نمود و او را پرستش خواهند کرد. زیرا فرمانروایی از آن خداوند است و او بر قومها حکومت می‌کند. همه متکبران در حضور او به خاک خواهند افتاد و او را سجده خواهند کرد؛ همه انسانهای فانی در حضورش زانو خواهند زد! نسل‌های آینده او را عبادت خواهند کرد، زیرا از پدران خود درباره کارهای خدا خواهند شنید. به فرزندان که بعد متولد خواهند شد، گفته خواهد شد که خداوند قوم خود را نجات داده است.</p>

1 John 4:7-21

Beloved, let us love one another, because love is from God; everyone who loves is born of God and knows God. Whoever does not love does not know God, for God is love. God's love was revealed among us in this way: God sent his only Son into the world so that we might live through him. In this is love, not that we loved God but that he loved us and sent his Son to be the atoning sacrifice for our sins. Beloved, since God loved us so much, we also ought to love one another. No one has ever seen God; if we love one another, God lives in us, and his love is perfected in us.

By this we know that we abide in him and he in us, because he has given us of his Spirit. And we have seen and do testify that the Father has sent his Son as the Saviour of the world. God abides in those who confess that Jesus is the Son of God, and they abide in God. So we have known and believe the love that God has for us. God is love, and those who abide in love abide in God, and God abides in them. Love has been perfected among us in this: that we may have boldness on the day of judgment, because as he is, so are we in this world. There is no fear in love, but perfect love casts out fear; for fear has to do with punishment, and whoever fears has not reached perfection in love. We love because he first loved us. Those who say, "I love God," and hate their brothers or sisters, are liars; for those who do not love a brother or sister whom they have seen, cannot love God whom they have not seen.

The commandment we have from him is this: those who love God must love their brothers and sisters also.

Gospel Reading: John 15:1-8

"I am the true vine, and my Father is the vinegrower. He removes every branch in me that bears no fruit. Every branch that bears fruit he prunes to make it bear more fruit. You have already been cleansed by the word that I have spoken to you. Abide in me as I abide in you. Just as the branch cannot bear fruit by itself unless it abides in the vine, neither can you unless you abide in me.

I am the vine, you are the branches. Those who abide in me and I in them bear much fruit, because apart from me you can do nothing.

Whoever does not abide in me is thrown away like a branch and withers; such branches are gathered, thrown into the fire, and burned. If you abide in me, and my words abide in you, ask for whatever you wish, and it will be done for you. My Father is glorified by this, that you bear much fruit and become my disciples.

Prayer after Communion

Eternal God, whose Son Jesus Christ is the way, the truth, and the life:
grant us to walk in his way, to rejoice in his truth, and to share his risen life;
who is alive and reigns, now and for ever.

عزیزان من، بیایید یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌نماید، فرزند خداست و خدا را واقعاً می‌شناسد. اما کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است. خدا با فرستادن فرزند یگانه خود به این جهان گناه‌آلود، محبت خود را به ما نشان داد؛ بلی، خدا او را فرستاد تا جان خود را در راه ما فدا کند و ما را به زندگی ابدی برساند. اینست محبت واقعی! ما او را محبت نکردیم، بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. عزیزان من، حال که خدا ما را این چنین محبت نمود، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم و محبت کنیم. ما هیچگاه خدا را ندیده‌ایم؛ اما اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا در وجود ما مسکن می‌گردد و محبت او در ما قوت می‌گیرد. خدا برای همین روح پاک خود را در وجود ما قرار داده تا بدانیم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا. از این گذشته، ما نیز با چشمان خود دیده‌ایم و به همه اعلام می‌کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند. هر که ایمان داشته باشد و به زبان بگوید که عیسی فرزند خداست، خدا در وجود او ساکن است و او نیز در خدا. ما می‌دانیم که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد، زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم. ما محبت او را باور می‌کنیم. خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. وقتی با مسیح زندگی می‌کنیم، محبتمان بیشتر و کاملتر می‌شود. پس در روز داوری شرم‌منده و سرافکننده نخواهیم شد، بلکه با اطمینان و شادی در حضور او خواهیم ایستاد، زیرا او ما را دوست دارد و ما نیز او را دوست داریم. لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست دارد، بترسیم. محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه‌کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش اینست که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد. محبت ما نسبت به خدا، از محبتی ناشی می‌شود که او اول نسبت به ما داشت. اگر کسی ادعا می‌کند که خدا را دوست دارد، اما از همونوع خود متنفر است، دروغ می‌گوید؛ چون اگر کسی نتواند همونوعی را که می‌بیند، دوست داشته باشد، چگونه می‌تواند خدایی را که ندیده است، دوست بدارد؟ این حکم خداست که هر که او را دوست می‌دارد، باید همونوع خود را نیز دوست داشته باشد.

"من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. او هر شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌زرد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند، اصلاح می‌کند تا میوه بیشتری بدهند. بوسیله احکامی که به شما دادم، خدا شما را اصلاح و پاک کرده است تا قوی‌تر و مفیدتر باشید. در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید. "بله، من تاک هستم، شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بی‌فایده آن را می‌زرد، دور می‌اندازند و آن شاخه خشکیده می‌شود؛ سپس، آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند و در آتش می‌سوزانند. ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد. شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و جلال پدرم خدا می‌شود.

خداوند ازلی، کسی که فرزندش عیسی مسیح راه و حقیقت و حیات است: ما را یاری کن که در راه او قدم بر داریم، که در حقانیت او شادی کنیم، و قیامت را به اشتراک بگذاریم؛ کسی که زنده است و با تو حکومت می‌کند، تا ابدالایاد.